

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقارن جلسه چهل و دوم ۱۳۹۶/۱۰/۱۶

لزوم پاسخگوئی روشمند به شبهات (۴۱) - آشنایی با فرق کلامی اهل سنت (۱۰)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

بحث ما در رابطه با مبانی اعتقادی و فکری احمد ابن حنبل بود که سنگ زیربنای تفکرات وهابیت شده و چند مورد را بحث کردیم.

«ایمان قول و عمل»

کلام خدا:

«لیس بمخلوق»

و بحث رؤیت خدای عالم جل جلاله بود. اینها را مطرح کردیم و اشاره کردیم که ائمه علیهم السلام هم در این زمینه کاملاً موضع گرفته‌اند در رابطه با رؤیت خدا بن‌باز می‌گویند هر کس منکر رؤیت خدا باشد کافر است از آقا امام رضا علیه السلام سوال می‌کنند حضرت می‌فرمایند:

(لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ )

سوره انعام(۶): آیه ۱۰۳

بحث دیگری که در این جا مطرح است و دستاویز وهابیت شده عبارت حضرت موسی علی نبینا وآله وعلیه السلام است که به خدا عرض می‌کند:

(رَبِّ أَرِنِي)

سوره اعراف (۷): آیه ۱۴۳

از امام رضا سلام الله علیه در این مورد سوال می‌کنند خوب دقت بکنید پاسخی که امام هشتم سلام الله علیه دارند نکته ظریفی است. از حضرت سوال کردند:

«فَمَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَ كَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ»

خدایا خودت را به من نشان بده من به تو نگاه کنم.

عیون اخبار الرضا، جلد ۱، صفحه ۱۷۸ [سوره اعراف (۷): آیه ۱۴۳]

«قَالَ لَنْ تَرَانِي كَيْفَ يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ لَا يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ذِكْرُهُ لَا يَجُوزُ عَلَيْهِ الرُّؤْيَةُ»

حضرت موسی، نبی خدا و کلیم الله است آیا نمی‌داند که خدای عالم، با چشم دیده نمی‌شود که از خدای عالم تقاضا می‌کند

«رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ؛ فَقَالَ الرَّضَا سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنَّ كَلِيمَ اللَّهِ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعَزُّ أَنْ يُرَى بِالْأَبْصَارِ»

حضرت موسی، گرامی‌تر و فراتر از این است که تصور کند خدای عالم به چشم دیده می‌شود.

«وَ لَكِنَّهُ لَمَّا كَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ قَرَّبَهُ نَجِيًّا»

این که حضرت موسی می گوید:

«رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرَ إِلَيْكَ»

حضرت موسی، می داند که خدای عالم دیدنی نیست پیغمبر خدا است معرفتش نسبت به خدای عالم، خیلی بالا است می گوید داستان این است که وقتی حضرت موسی با خدای عالم مناجات کرد و به سوی قومش برگشت و خبر داد بر این که خدای عالم، با او سخن گفت و مناجات کرد،

«فَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَسْمِعَ كَلَامَهُ كَمَا سَمِعَتْ»

قوم حضرت موسی گفتند یا موسی، ما اگر صدای خدا را خودمان نشنویم به تو ایمان نمی آوریم.

«وَوَكَانَ الْقَوْمُ سَبْعِمِائَةَ أَلْفٍ رَجُلٍ»

هفتصد هزار نفر بودند.

از اینها هفتاد هزار نفر انتخاب شدند، از بین هفتاد هزار نفر، هفت هزار نفر انتخاب شدند و از بین آنها هفتصد نفر و از بین شان هفتاد نفر برای میقات خدای عالم انتخاب شدند که بیایند با خدای عالم رو در رو حرف بزنند.

بعضی وقتها دل آدم برای حضرت موسی می سوزد خیلی پیغمبر مظلومی بوده، یعنی اذیت‌هایی که از جانب قوم حضرت موسی به آن حضرت رسید، شاید خیلی بیشتر از اذیت‌هایی بود که از جانب قوم فرعون، به آن حضرت رسید.

آن حضرت حوصله هم داشته و برای این که نگذارد اینها را از مسیر هدایت منحرف بشوند با هر برنامه‌ی آنها کنار می آمده است.

از میان هفتصد هزار نفر، هفتاد نفر انتخاب کردند به طور سینا رفتند و این‌ها را در بالای کوه قرار دادند حضرت موسی به کوه طور رفت.

«وَسَأَلَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُكَلِّمَهُ وَيُسْمِعَهُمْ كَلَامَهُ»

از خدای عالم خواست، خدای عالم با این‌ها حرف بزند و این‌ها هم حرف خدا را بشنوند.

«فَكَلَّمَهُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ وَ سَمِعُوا كَلَامَهُ مِنْ فَوْقُ وَ أَسْفَلُ وَ يَمِينُ وَ شِمَالُ وَ وَرَاءُ وَ أَمَامُ»

از راست و چپ و بالا صدای خدا را همان طوری که حضرت موسی شنیده بود این‌ها شنیدند.

این‌که چطوری بود ما کاری با آن نداریم.

«أَخَذَتْهُ فِي الشَّجَرَةِ وَ جَعَلَهُ مُتَّبِعًا؛ فَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ بِأَنَّ هَذَا الَّذِي سَمِعْنَاهُ كَلَامُ اللَّهِ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً»

گفتند خدایا صدا را ما شنیدیم ولی تا خدا را به چشم خودمان نبینیم ایمان نخواهیم آورد و یقین نمی‌کنیم که

این صدای خدا بوده است!

«بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ صَاعِقَةً فَأَخَذَتْهُمْ بِظُلْمِهِمْ فَمَاتُوا»

به خاطر همین یک صاعقه آسمانی آمد و تمام این هفتاد نفر مردند.

حضرت موسی آن‌جا معطل ماند.

«يَا رَبِّ مَا أَقُولُ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِذَا رَجَعْتُ إِلَيْهِمْ»

خدایا به قوم بنی اسرائیل چه بگویم؟!

آن‌ها می‌گویند:

«إِنَّكَ دَهَبْتَ بِهِمْ فَقَتَلْتَهُمْ»

همه این‌ها را بردی و کشتی!

«لَأَنَّكَ لَمْ تَكُنْ صَادِقًا فِيمَا ادَّعَيْتَ مِنْ مُنَاجَاةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِيَّاكَ فَأَحْيَاهُمُ اللَّهُ وَبَعَثَهُمْ»

خدای عالم این هفتاد نفری را که در اثر صاعقه کشته شده بودند زنده کرد و برگشتند.

«فَقَالُوا إِنَّكَ لَوْ سَأَلْتَ اللَّهَ أَنْ يُرِيكَ نَنُظِرُ إِلَيْهِ لِأَجَابِكَ وَ كُنْتَ تُخْبِرُنَا كَيْفَ هُوَ فَتَعْرِفُهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ»

گفتند حالا اگر ما نمی‌توانیم خدا را ببینیم از خدا بخواه که لااقل به تو نشان بدهد و تو برای ما دست، چشم، پا و

گوش خدا را توصیف کن که چطوری است؟

پرسش:

اگر این‌ها مردند و زنده شدند پس معلوم است که لقاء الله صورت گرفته است.

پاسخ:

چطور؟ در لقاء الله کسی که می‌میرد خدا را نمی‌بیند این‌ها آدم‌های لجوجی بودند چه کار باید کرد؟ من این آیه

را وقتی می‌خوانم احساس می‌کنم که این‌ها چقدر قلب حضرت موسی را به درد آوردند.

(يَقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ)

سوره اعراف (۷): آیه ۱۴۱

دیگر معجزه‌ای بالاتر از این که رود نیل تکه تکه شد این‌ها رفتند فرعون غرق شد به مجرد این‌که پای‌شان به

خشکی رسید گفتند:

(اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ)

سوره اعراف (۷): آیه ۱۳۸

یا پیغمبر، همان‌طور که این بت‌پرست‌ها خدایی دارند برای ما هم یک بتی درست کن که ما آن را بپرستیم!  
این قضایا واقعاً خیلی درد آور است. کافی است انسان یک لحظه خودش را به جای حضرت موسی قرار بدهد.  
بعد از این همه زحمت، این همه معجزه دیدن باز می‌گویند:

(اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ)

برای ما یک خدایی و بتی قرار بده تا او را بپرستیم!

رسیدیم به این‌جا که گفتند ما نتوانستیم خدا را ببینیم تو خدا را ببین بعد برای ما بگو که خدای عالم چه شکلی  
بوده است!

«وَكُنْتَ تُخْبِرُنَا كَيْفَ هُوَ فَتَعْرِفُهُ فَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُرَى بِالْأَبْصَارِ وَلَا كَيْفِيَّةَ لَهُ وَ إِنَّمَا يُعْرَفُ بِآيَاتِهِ  
وَ يُعَلَّمُ بِأَعْلَامِهِ فَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ»

...ما ایمان نمی‌آوریم!

تو از خدا بخواه که خدا خودش را به تو نشان دهد!

«فَقَالَ مُوسَى يَا رَبِّ إِنَّكَ قَدْ سَمِعْتَ مَقَالََةَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِصَلَاحِهِمْ»

خدایا می‌شنوی این‌ها از من چه می‌خواهند؟!

«فَأَوْحَى اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ يَا مُوسَى سَلْنِي مَا سَأَلُوكَ»

آن را که این ها می‌خواهند از من بخواه بعد جواب ما را به این ها بده!

«فَلَنْ أُؤَاخِذَكَ بِجَهْلِهِمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ قَالَ مُوسَى رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ»

یعنی این، بر مبنای درخواست این‌ها بود و خدای عالم گفت:

«قَالَ لَنْ تَرَانِي وَ لَكِنْ اَنْظُرْ اِلَى الْجَبَلِ فَاِنْ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ وَ هُوَ يَهْوِي فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ بِآيَةٍ مِنْ آيَاتِهِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ يَقُولُ رَجَعْتُ إِلَى مَعْرِفَتِي بِكَ عَنْ جَهْلِ قَوْمِي وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُمْ بِأَنَّكَ لَا تُرَى»

این توضیح حضرت رضا سلام الله عليه در رابطه با قضیه درخواست حضرت موسی علیه السلام است که به خدا عرض کرد:

(رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ)

به این شکل حضرت رضا سلام الله عليه مطرح می‌کند و این هم بر مبنای درخواست این‌ها بود، تا پاسخ خدای عالم، هم پاسخ علمی هم پاسخ عملی باشد.

پاسخ علمی لَنْ تَرَانِي، پاسخ عملی اَنْظُرْ اِلَى الْجَبَلِ که حضرت موسی غش کرد و از هوش رفت.

تعبیر دیگری که امروز وهابی‌ها، دستاویز خودشان قرار داده‌اند این آیه شریفه است:

(وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ، اِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ)

سوره قیامت (۷۵): آیات ۲۲ و ۲۳

در این جا باز از امام رضا سلام الله عليه نکته ظریفی وجود دارد، در معرفت الهی بنده عرض کردم اگر ما بتوانیم کتاب توحید مرحوم شیخ صدوق را از اول تا آخر نه یک بار برنامه بگذاریم مثلا هر جمعه ۴۰-۵۰ صفحه این

کتاب را به دقت بخوانیم و تأمل کنیم خیلی خوب است. همان‌طور که قرآن را قرائت می‌کنیم این کتاب را خوب قرائت کنیم و آن معرفت و شناخت خدای عالم برای ما کاملاً واضح و روشن می‌شود.

به جای این‌که سراغ فلاسفه و دیگران برویم حالا اقوال بزرگان و متکلمین برگرفته از فرمایشات اهل بیت است، ولی اگر ما برویم سرچشمه را مطالعه بکنیم خیلی بهتر از این است که بیاییم به اقوال بزرگان اکتفا کنیم.

چه بسا هر بزرگی و عالمی با توجه به برداشت خودش از روایات حرف زده و مطلب بیان کرده، البته قبل از این‌که روایات توحید را بخوانیم از خدای عالم بخواهیم کمک‌مان بکند.

مرحوم میرزا جواد آقای ملکی رضوان الله تعالی علیه یک تعبیری دارد و روایتی را نقل می‌کند حدیث قدسی است خدای عالم می‌گوید اگر کسی وضویش باطل شود و تجدید وضو نکند **فقد جفانی** و اگر وضو بگیرد دو رکعت نماز نخواند باز **فقد جفانی**.

نماز بخواند از من حاجت نخواهد **فقد جفانی** اگر حاجت بخواید حاجت او را ندهم **فقد جفیئته**، من به او جفا کرده‌ام.

بعد مرحوم میرزا آقا جواد ملکی می‌گوید انسان وقتی تجدید وضو می‌کند دو رکعت بخواند بعد از نماز سجده برود از خدای عالم دو چیز بخواهد:

یک:

«یا رثوف یا رحیم بَدَلْ سِئَاتِي بِأضعافها من الحسنات»

من بارها گفتم ما باید همت‌مان بالا باشد نگوییم:

«اللهم اغفر ذنوبی»



بگوئیم:

«اللهم بَدِّلْ سيئاتي بأضعافها من أحسنات»

دو: از خدا بخواهیم

«أَللّهُمَّ ارزُقْنِي معرفتك ومحبتك»

خدای عالم می‌گوید اگر دعا کند من اجابت نکنم **فقد جفیتُهُ**.

اگر بخواهیم دعا کنیم این دو چیز را از خدا بخواهیم تبدیل سیئاتمان **بِأضعافها من الحسنات** دوم از خدای عالم، معرفت و محبتش را بخواهیم.

مرحوم شیخ صدوق رضوان الله تعالی علیه در کتاب توحید غالب روایات توحید در عیون اخبار الرضا و کتب دیگر را جمع کرده است.

پرسش:

این توصیه را که از میرزا جواد آقای ملکی فرمودید در کتاب معروف خودشان است

پاسخ:

توصیه را در کتاب المراقباتش من دیدم.

در کتاب عیون اخبار الرضا است که از حضرت سوال می‌کنند:

(وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ)

صورت‌های خیلی شاداب

سوره قیامت (۷۵): آیه ۲۲

(إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ)

به پروردگارشان نگاه می‌کنند.

سوره قیامت (۷۵): آیه ۲۳

حضرت فرمود:

«مُشْرِفَةً يَنْتَظِرُ ثَوَابَ رَبِّهَا.»

عیون اخبار الرضا، جلد ۱، ص ۱۰۵

(إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ)

یعنی إلى ثواب ربها ناظرة

نه این‌که نستجیر بالله إلى ذات ربها ناظرة؛ لذا این تعابیری که از ائمه سلام الله علیهم آمده در این‌ها نکات ظریفی است که این‌ها حرف‌شان، حرف وحی است.

( وَمَا يُنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ )

سوره نجم (۵۳): آیات ۳ و ۴

پرسش:

حضرت استاد! ببخشید همین مطلب را مستمسک قرار می‌دهند و می‌گویند این‌ها قائل به ادامه نبوت هستند

در مورد اهل بیت هم قائلند وَمَا يُنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ.

## پاسخ:

در بحث نبوت و... این‌ها خودشان هم برای خیلی از بزرگان‌شان معتقد هستند که با ملائکه مرتبط بودند، با ملائکه حرف می‌زدند، حتی برای عمر ابن الخطاب می‌گویند با ملائکه حرف می‌زده است. انس با ملائکه مصاحفه می‌کرده و ...!

آیا این‌ها که با ملائکه مرتبط بودند وحی از خدا می‌گرفتند؟ ببینید در وحی تشریحی بسته شده گرچه ما معتقد هستیم ائمه هم ولایت تکوینی و هم ولایت تشریحی دارند؛ ولی ولایت تشریحی به آن معنایی که به نبی مکرم وحی بشود نیست به این‌ها هم از طریق ملائکه

«تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا ... إِنَّهُ مَلِكٌ أَعْظَمُ مِنْ جِبْرَائِيلَ»

تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ؛ ص ۷۹۱، استرآبادی، علی، جلد، مؤسسة النشر الإسلامي - ایران ؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ق.

این در متن روایات ما است، ملائکه با ائمه شبانه روز مرتبط هستند این‌طوری نیست که درهای ارتباط با خدای عالم توسط ملائکه برای این‌ها بسته شود این‌ها مرتبط هستند.

مطالبی که بیان می‌کنند یا مأخوذ از اجدادشان است که ما نزدیک ۷۰ روایات از نبی مکرم داریم مرحوم آقای بروجردی در جامع احادیث شیعه حدود ۷۰ روایت در این زمینه نقل می‌کند.

امام صادق فرمود:

إذا حدّثتکم بالحديث فلم أسنده فسندي فيه أبي عن جدي عن أبيه عن جده

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عن جبرئيل عن الله تعالى .

الإربلي، أبي الحسن علي بن عيسى بن أبي الفتح (متوفى ٦٩٣هـ)، كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج ٢، ص ٣٣٩،  
ناشر: دار الأضواء - بيروت، الطبعة الثانية، ١٤٠٥هـ - ١٩٨٥م.

این‌ها هر چه می‌گویند از منبع وحی مطرح می‌کنند به اضافه این‌که بعضی مطالب شرع و... را هم ملائکه به این‌ها تذکر و خبر می‌دهند. آیا این‌ها پیغمبر هستند؟ نه، همان شریعت پیغمبر توسط ملائکه به این‌ها ابلاغ می‌شود و این‌ها بیان می‌کنند.

پرسش:

همان تحدیث است، محدث که می‌گویند همین است؟

پاسخ:

بله

«لو كان في أمتي محدثاً لكان عمر ابن الخطاب!»

این‌ها برای خلیفه دوم با این‌که تا سال ۱۰ هجری آقا بت‌پرست بوده است سال ۱۰ یا ۹ هجری تازه مسلمان شده چنین قائل هستند! از طرفی هم آقایان به قدری در مذمت خلیفه دوم، با سندهای معتبر روایت آورده‌اند که انسان وقتی نگاه می‌کند وحشت‌زده می‌شود.

برخورد عمر با رسول اکرم، برخورد عمر با خانواده پیغمبر جلوی چشم پیغمبر، برخورد عمر با زن‌ها، برخورد عمر با زن خودش، برخورد عمر با صحابه؛ یعنی خشونت‌هایی که این‌ها از عمر در کتاب‌های شان نقل کردند شاید یک صدمش در کتاب‌های شیعه نیست.

اگر فرصت شد من تمام خشونت‌هایی که این‌ها در کتاب‌های خودشان از خلیفه دوم آورده‌اند را می‌گویم البته این مطالب را در سایت قرار دادیم در یک برنامه به مناسبت شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها همه را بیان کردم، گفتم این آقایان می‌گویند خلیفه دوم مقامش اجلّ از این است که نسبت به حضرت زهرا سلام الله علیها جسارت کند.

من گفتم این‌هایی که شما نقل کردید حضرت زهرا سلام الله علیها احترامش بالاتر است یا نبی مکرم صلی الله علیه وآله بالاتر است؟ وقتی می‌آید به نبی مکرم صلی الله علیه وآله اعتراض می‌کند، عباى حضرت را می‌کشد و به نبی مکرم طعنه می‌زند و می‌گوید یا رسول الله، شما فلان آیه را متوجه نشدید، وقتی رسول الله می‌خواست برای عبدالله اُبی‌نماز بخواند عمر می‌گوید یا رسول الله خدای عالم گفته

(أَسْتَعْفِرُ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَعْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ)

سوره منافقون (۶۳): آیه ۶

حضرت گوش نمی‌دهد و عباى پیغمبر را می‌گیرد و می‌کشد، معنایش این است که نستجیر بالله پیغمبر، آیه قرآن را متوجه نبوده ولی عمر متوجه بوده است! بالاتر از این، جسارت می‌خواهند بکنند!

زینب دختر پیغمبر از دنیا رفته خواستند او را در قبرستان بقیع دفن کنند حضرت زهرا و دیگر دختران دارند گریه می‌کنند همان‌جا جلوی چشم پیغمبر، شلاق بر می‌دارد زن و بچه پیغمبر را کتک می‌زند! جلوی پیغمبر، دارد اهل بیت پیغمبر را می‌زند آن وقت در غیاب پیغمبر این قضیه مستبعد است!؟

پرسش:

حضرت رسول الله چه گفت؟

پاسخ:

رسول الله صلى الله عليه وآله جلوي عمر را گرفتند و فرمودند:

«مه يا عمر»

از اين كار دست بردار!

مسند الطيالسي ج ١ ص ٣٥١ اسم المؤلف: سليمان بن داود أبو داود الفارسي البصري الطيالسي الوفاة: ٢٠٤ ،

دار النشر : دار المعرفة – بيروت.

بگذار اينها عزاداري و گريه كنند همان جا رسول اكرم برخورد كرد.

آقاي داودي يك جزوه ١٥٠ صفحه‌اي به نام خشونت‌هاي عمر ابن الخطاب نوشته است تمام روايات را ايشان جمع کرده است. نوشته خوبی است. خوب دسته‌بندی و جمع کرده البته ما خیلی بیش از این جمع کردیم، فایل خشونت‌هاي عمر ابن الخطاب در سايت وجود دارد.

پرسش:

برخی شبکه‌ها قضيه‌اي را راجع به اختلال جنسی که عمر داشته مطرح کردند مثبت است يانه؟ یکی از ماموستاها مطرح کرده بود

پاسخ:

من به دوستان توصیه می‌کنم در این قضایا ما به اندازه کافی روايات برای حقانیت خودمان و بطلان اینها داریم که استفاده کنیم، بیش از آن که ما نیاز داریم از اهل بیت روايت داریم در کتاب‌هاي اینها هم روايت آمده یکی از اتهاماتی که به ما می‌زنند در رابطه با عايشه است.

روایاتی که این‌ها در صحیح بخاری و دیگر کتب خودشان دارند صد مرتبه از روایات شیعه نسبت به عایشه تندتر است.

ما بجای این‌که این مطالب را از کتاب‌های خودمان مثل سید نعمت‌الله جزایری رضوان الله تعالی علیه یا علامه مجلسی و دیگران مطرح کنیم بعد در آن گیر کنیم و شیعه‌ها را به کشتن بدهیم، باید از کتاب‌های خود اهل سنت این مطالب را مطرح کنیم و به آنها بگوییم که شما بیایید جواب بدهید و آن‌ها را به چالش بکشیم. این به هیچ وجه صلاح ما نیست ما باید به این‌ها جواب‌های نقضی بدهیم من بارها به دوستان عرض کرده‌ام کاری که جواب نقضی می‌کند جواب حلی نمی‌کند. علیکم بجواب نقضی، علیکم بجواب نقضی، علیکم بجواب نقضی.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته